

پرفروش‌ترین و بهترین کارتون‌های جهان که حتما باید ببینید

سایت IMDb به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع برای خوره‌های فیلم، فهرست پرفروش‌ترین انیمیشن‌های تاریخ سینما در آمریکای شمالی را منتشر کرده است. این کار در ابتدای اکران تابستان منطقی است چون معمولاً بسیاری از فیلم‌های اکران تابستان انیمیشن هستند. انیمیشن‌هایی که غالباً جزو پرفروش‌ترین فیلم‌های سال هم قرار می‌گیرند و حتی برخی از آنها به فهرست بهترین انیمیشن‌های جهان یا به اصطلاح خودمانی‌تر بهترین کارتون‌های جهان راه پیدا می‌کنند. انیمیشن‌هایی که بعدتر در اسکار می‌توانیم ردپای آنها را ببینیم. همین حالا «شگفت‌انگیزان ۲» روی پرده سینماها رفته و منتقدان هم نقدهای مثبتی رویش نوشته‌اند و فروش خوبی هم دارد. در ادامه شما را با ۲۵ انیمیشن پرفروش تاریخ سینما در آمریکا بیشتر آشنا می‌کنیم. کارتون‌هایی که بعضی از آنها همپای یک فیلم سینمایی بزرگسالانه عمیق و قابل تحسین هستند. البته برخی از آنها هم فقط به گیشه‌ها کمک کرده‌اند و گرنه از نظر سینمایی نکته خاصی نداشته‌اند با این وجود همه‌شان آثار مفروضی هستند.

۱. در جستجوی دوری (Finding Dory)



سال تولید: ۲۰۱۶

کارگردان: اندرو استانتون

امتیاز متاکریتیک: ۷۷ از ۱۰۰

فروش آمریکای شمالی: ۴۸۶ میلیون و ۲۹۵ هزار و ۵۶۱ دلار

در قرن بیست و یکم انیمیشن «در جستجوی نمو» که توسط کمپانی پیکسار ساخته شد یک اتفاق بود. انیمیشنی که به جهان زیر دریا می‌رفت و ظرفت‌های بصری‌اش تحسین خیلی‌ها را برانگیخت. ۱۳ سال بعد از آن انیمیشن اندرو استانتون سراغ یکی از کاراکترهای محبوب آن

قصه یعنی دوری رفت. ماهی آبی رنگی که حافظه کوتاه مدتش مشکل داشت ولی با قلب مهربانش در پیدا کردن نمو به پدر او کمک زیادی کرده بود. حالا دوری با این حافظه فاجعه قرار است دنبال خانواده خودش بگردد. در حین این سفر شخصی دوری با معنای واقعی خانواده آشنا می‌شود. الن دی جنرس، مجری مشهور صداپیشه نقش دوری بود.

۲. شرک ۲ (Shrek 2)



سال تولید: ۲۰۰۴

کارگردان: کلی آزبری، اندرو آدامسون

امتیاز متاکریتیک: ۷۵ از ۱۰۰

فروش: ۴۴۱ میلیون و ۲۲۶ هزار و ۲۴۷ دلار

سال ۲۰۰۱ ویکی جنسن و اندرو آدامسون اقتباسی از کتاب ویلیام استیگ انجام دادند. یک‌جور به سخره گرفتن افسانه‌های پریان دیزنی که منتقدان عاشقش شدند. قهرمان ما اندفعه به جای یک شاهزاده سوار بر اسب سفید غول زشت سبزی به اسم شرک بود که رفقاییش یک گربه و یک الاغ بودند و اتفاقی شاهزاده خانم فیونا را نجات داد. کمپانی دریم‌ورکز که از موفقیت مالی قسمت اول سر شوق آمده بود همان موقع ساخت دنباله این انیمیشن را کلید زد. در قسمت دوم شرک به همراه شاهزاده خانم فیونا که حالا او هم یک غول سبز شده به قصر پدر فیونا می‌روند که دل خوشی از این داماد زشت که آداب معاشرت هم بلد نیست، ندارد.

۳. شیرشاه (Lion King The)



سال تولید: ۱۹۹۴

کارگردان: راجر آلس، راب مینکوف

امتیاز متاکریتیک: ۸۳ از ۱۰۰

فروش: ۴۲۲ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۷۷۷ دلار

یکی از آخرین درخشش‌های کمپانی رویاساز دیزنی ساخت انیمیشن «شیرشاه» بود. انیمیشنی که هنوز هم طبق نظر منتقدان یکی از بهترین انیمیشن‌های تاریخ سینما است و برنده دو جایزه اسکار بهترین انیمیشن و بهترین آواز شد. این کارتون در فهرست ۲۵۰ فیلم برتر IMDb در رده ۴۸ قرار دارد. در نتیجه خودتان می‌توانید حدس بزنید که چقدر اثر مهم و تاثیرگذاری در تاریخ سینما و انیمیشن بوده است. یک‌جور اقتباس کودکانه از «هملت». یک بچه شیر به اسم سیمبا که باید وارث تاج و تخت پدرش، پادشاه جنگل باشد، توسط عموی پلیدش از مقامش ساقط می‌شود و به اعماق جنگل می‌رود. جایی که چند دوست حقیقی پیدا می‌کند که می‌توانند جای خانواده‌اش را بگیرند.

۴. داستان اسباب‌بازی ۳ (Toy Story 3)



سال تولید: ۲۰۱۰

کارگردان: لی آنکریچ

امتیاز متاکریتیک: ۹۲ از ۱۰۰

فروش: ۴۱۵ میلیون و ۴ هزار و ۸۸۰ دلار

سال ۱۹۹۵ کمپانی پیکسار که جزو میراث‌های استیو جابز محسوب می‌شود با مغز متفکرش یعنی جان لسه‌تر اولین انیمیشن تمام کامپیوتری تاریخ را ساخت و کاراکترهای باز و وودی، اسباب‌بازی‌های یک پسرک را به تماشاگران معرفی کرد. موفقیت انیمیشن آنقدر زیاد بود که به فواصلی مشخص قسمت‌های بعدی آن تصویب و ساخته شدند. قسمت سوم موفق‌ترین‌شان بود. برنده دو جایزه اسکار شد و صدمین فیلم میان ۲۵۰ اثر برتر IMDb از لحاظ امتیاز کاربران است. اندی که قرار است به کالج برود می‌خواهد عروسک‌ها را به زیرشیروانی بفرستد اما آنها اشتباها سر از جای دیگری درمی‌آوردند. وودی عروسک محبوب اندی و سردسته بقیه می‌خواهد آنها را قانع کند که می‌توانند «به سوی بی‌نهایت و فراتر از آن» بروند.

۵. یخ‌زده (Frozen)



سال تولید: ۲۰۱۳

کارگردان: کریس باک، جنیفر لی

امتیاز متاکریتیک: ۷۴ از ۱۰۰

فروش: ۴۰۰ میلیون و ۷۳۸ هزار و ۹ دلار

دیزنی با این انیمیشن به دوران کلاسیکش برگشت. اقتباسی از داستان مشهور «شاهزاده خانم برفی» که البته به سبک و سیاق دیزنی تلطیف شد. برنده جایزه اسکار بهترین انیمیشن سال ۲۰۱۴ و بهترین ترانه تبدیل به یکی از آن انیمیشن‌هایی شد که کارخانه‌های اسباب‌بازی و پوشاک هم توانستند از آن پول دربیاورند. ماجرای خواهرانه السا و آنا در حقیقت واکنشی به این ماجرا بود که رابطه خواهرانه می‌تواند هر یخی را آب کند. کاراکتر آدم برفی بامزه فیلم به اسم اولاف جزو شخصیت‌های وردست محبوب تاریخ انیمیشن شد. «یخ‌زده» نشان می‌داد که عشق میان دو خواهر از هر عشق دیگری قدرتش بیشتر است.

۶. در جستجوی نمو (Finding Nemo)



سال تولید: ۲۰۰۳

کارگردان: اندرو استانتون، لی آنکریچ

امتیاز متاکریتیک: ۹۰ از ۱۰۰

فروش: ۳۸۰ میلیون و ۸۴۳ هزار و ۲۶۱ دلار

پیش‌تر هم گفتیم که هنر اندرو استانتون و لی آنکریچ در به تصویر کشیدن جهان زیر دریا آنقدر مورد توجه قرار گرفت که «در جستجوی نمو» با قدرت تمام برنده تمام جوایز مربوط به بخش انیمیشن آن سال از جمله اسکار شد. در حال حاضر هم در فهرست ۲۵۰ فیلم برتر IMDb رتبه ۱۶۶ را دارد. شبیه داستان «ماهی سیاه کوچولو» نوشته صمد بهرنگی قصه «در جستجوی نمو» هم زیر دریا اتفاق می‌افتد. نیمو دلقک‌ماهی است که می‌خواهد جهانی دورتر از خانه‌اش را هم تجربه کند. پس دل به دریای بیکران می‌زند و حالا پدرش در به در دنبال او می‌گردد در حالی که سر راه هر دوتایشان خطرات زیادی وجود دارد.

۷. زندگی پنهان حیوانات خانگی (The Secret Life of Pets)



سال تولید: ۲۰۱۶

کارگردان: کریس رنالد، یارو چنی

امتیاز متاکریتیک: ۶۱ از ۱۰۰

فروش: ۳۶۸ میلیون و ۳۸۴ هزار و ۳۳۰ دلار

سگی به نام ماکس از نژاد تریر زندگی آرامی دارد اما یک روز صاحبش سگ دیگری به نام دوک را وارد زندگی او می‌کند. ماکس که با بقیه حیوانات رابطه خوبی داشته و در طول روز وقتی صاحبش بیرون بوده با آنها معاشرت می‌کرده بلافاصله از دوک متنفر می‌شود و به او حسادت می‌کند. در حالی که ماکس و دوک با هم دعوا دارند و هر کدام می‌خواهد آن یکی را از میدان به در کند مورد حمله یک گروه از گرهبه‌ها قرار می‌گیرند. خرگوش سفید به کمک‌شان می‌آید. درنهایت در مسیر بازگشت به خانه و دوری از خطرات ماکس و دوک با هم رفیق می‌شوند. انیمیشن از یک فرمول آشنای همیشگی پیروی می‌کند و بیشتر هم مناسب کودکان است برخلاف بقیه انیمیشن‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند.

۸. من نفرت‌انگیز ۲ (Despicable Me 2)



سال تولید: ۲۰۱۳

کارگردان: کریس رنالد، پیر کافین

امتیاز متاکریتیک: ۶۲ از ۱۰۰

فروش: ۳۶۸ میلیون و ۶۱ هزار و ۲۶۵ دلار

سال ۲۰۱۰ کمپانی یونیورسال هم یک انیمیشن پرفروش بیرون داد. «من نفرت‌انگیز» دو تا کاراکتر بامزه به سینما هدیه داد: یکی گورو تبهکار خنگی که معمولاً در کارهای پلیس گند می‌زند چون ذاتاً قلب مهربان دارد و دوستان و خدمتکارانش که موجودات زردرنگ خنگ بامزه‌ای به اسم مینیون‌ها هستند که حتی به زبان آدمیزاد هم حرف نمی‌زنند. موفقیت انیمیشن «من نفرت‌انگیز» آنقدر چشم‌گیر بود که کمپانی سه سال بعد قسمت دومش را روی پرده سینماها برد. در قسمت دوم گرو سرپرستی چند بچه یتیم را برعهده گرفته است و بخاطر تربیت آنها می‌خواهد دیگر از خلاف کناره‌گیری کند. مینیون‌ها البته رضایت چندانی از این وضع ندارند.

۹. شگفت‌انگیزان ۲ (Incredibles 2)



سال تولید: ۲۰۱۸

کارگردان: برد بیرد

امتیاز متاکریتیک: ۸۰ از ۱۰۰

فروش: ۳۷۳ میلیون و ۹۳۱ هزار و ۱۳۶ دلار

یکی دیگر از محصولات موفق پیکسار که سال ۲۰۰۴ برنده دو جایزه اسکار شد درباره یک خانواده ابرقهرمان بود. قسمت دوم آن امسال بعد از مدتی طولانی روی پرده سینماها رفت. خانواده آقای پار که کسی خبر ندارد ابرقهرمان هستند دوست دارند زندگی ساکت و آرامی داشته باشند. اتفاقی می افتد که خانم پار مجبور می شود برای نجات جهان از خانه بیرون بزند و آقای پار باید از بچه ها مراقبت کند. برد بیرد یکی از مهم ترین چهره های پیکسار قسمت دوم آن را کارگردانی کرده است. او در حقیقت خالق «شگفتانگیزان» بوده و ایده و فیلمنامه هم از ابتدا مال خودش بوده است. فیلم برای اسکار سال آینده بخت زیادی دارد.

۱۰. درون و بیرون (Inside Out)



سال تولید: ۲۰۱۵

کارگردان: پیت داکتر، رونی دل کارمن

امتیاز متاکریتیک: ۹۴ از ۱۰۰

فروش: ۳۵۶ میلیون و ۴۶۱ هزار و ۷۱۱ دلار

در یک کلام درخشان است. یکی از بهترین انیمیشن‌های پیکسار و به اعتقاد نگارنده قطعاً بهترین‌شان. انیمیشنی روانشناسانه که در نهایت هوش و ظرافت جهان پیچیده مغز و کارکردش را خیلی ساده به تصویر می‌کشد. کل داستان درون اتاق فرمان مغز دخترکی به نام رایلی می‌افتد. اول ساده‌ترین گرایز در اتاق فرمان حضور دارند: شادی، غم، خشم و نفرت. بعد پای خاطرات وسط می‌آید و انیمیشن نشان می‌دهد که چطور وقتی به بلوغ می‌رسید غم هم به اندازه شادی در بزرگ شدن‌تان تاثیر دارد. با تصاویر و رنگ و نور عالی. این انیمیشنی است که هم بزرگسالان و هم کودکان می‌توانند از تماشایش لذت ببرند. از آن آثاری که هر کسی می‌تواند از آن به اندازه خودش بهره ببرد.

۱۱. شهر حیوانات (Zootopia)



سال تولید: ۲۰۱۶

کارگردان: برایان هاوارد، ریچ مور

امتیاز متاکریتیک: ۷۸ از ۱۰۰

فروش: ۳۴۱ میلیون و ۲۶۸ هزار و ۲۴۸ دلار

برنده اسکار بهترین انیمیشن حول همان جمله مشهور «خواستن توانستن است» قصه‌اش را روایت می‌کند. در شهر خرگوش‌ها که کار پرورش هویج یک کار خانوادگی است خرگوشی تصمیم می‌گیرد وارد نیروی پلیس شود و برای دنبال کردن رویایش به آرمانشهر حیوانات (زوتوپیا) می‌رود. در زوتوپیا علیرغم آنچه که باید تبعیض‌های زیادی وجود دارد: خرگوش ما که میان حیوانات خشن هم بامزه است و هم زن مورد تبعیض بیشتری قرار می‌گیرد اما با سرسختی راهش را پیدا می‌کند. به سخره گرفتن بروکراسی کاری در یکی از سکانس‌های انیمیشن تبدیل به ترند در فضای مجازی شد. جایی که کارمندان یک بانک به کندی لاک‌پشت‌ها کار مشتریان را راه می‌انداختند!

۱۲. مینیون‌ها (Minions)



سال تولید: ۲۰۱۵

کارگردان: کایل بالدا، پیر کافین

امتیاز متاکریتیک: ۵۶ از ۱۰۰

فروش: ۳۳۶ میلیون و ۴۵ هزار و ۷۷۰ دلار

این یکی از آن سوءاستفاده‌های کمپانی‌های فیلمسازی از فرانشیز یک اثر است. یونیورسال وقتی دید این موجودات زرد رنگ «من نفرت‌انگیز» تا چه حد مورد توجه مردم قرار گرفته‌اند و حتی اسباب‌بازی‌هایشان در بازار پر فروش است تصمیم گرفت که یک فیلم مجزا درباره موجوداتی بسازد که با اصوات عجیب و غریب با هم حرف می‌زنند. نتیجه‌اش فیلمی شد که نیم ساعت اولش واقعا بامزه است اما بقیه‌اش هدر رفته. انگار همه قصه قرار است با شیرین‌کاری‌های مینیون‌ها پیش برود که از یک جایی به بعد واقعا خسته‌کننده می‌شوند. اینترتینمنت ویکلی عالی نوشته بود که: اگر مینیون‌های فیلم عروسک بودند قطعا زود باتری‌شان را درمی‌آوردید که از کار بیفتند!

۱۳. شرک ۳ (Shrek the Third)



سال تولید: ۲۰۰۷

کارگردان: کریس میلر، رامن هویی

امتیاز متاکریتیک: ۵۸ از ۱۰۰

فروش: ۳۲۲ میلیون و ۷۱۹ هزار و ۹۴۴ دلار

قسمت سوم «شرک» که باز هم شامل ماجراجویی‌های او و دوستانش بود، پدرزن شرک بیمار شده و همه چشم‌ها به شرک است که وارث تاج و تخت باشد. بالاخره هر ایده‌ای تا یک جایی جواب می‌دهد. قسمت اول و دوم «شرک» بخاطر متفاوت بودن‌شان با انیمیشن‌هایی که تا آن زمان دیده بودیم، جذابیت داشتند. قسمت سوم فقط روی موج موفقیت کاراکترهای دو قسمت قبلی سوار بود و هیچ ایده تازه‌ای نداشت. البته بچه‌ها هنوز دوستش داشتند اما منتقدان معتقد بودند که قسمت سوم به هیچ عنوان به پای دو قسمت قبلی نمی‌رسد و حتی طرفداران سری «شرک» هم نمی‌توانند ادعا کنند که قسمت سوم حرف جدیدی برای گفتن دارد.

۱۴. بالا (Up)



سال تولید: ۲۰۰۹

کارگردان: پیت داکتر، باب پترسون

امتیاز متاکریتیک: ۸۸ از ۱۰۰

فروش: ۲۹۳ میلیون و ۴ هزار و ۱۶۴ دلار

انیمیشن خوش آب و رنگ و دوست‌داشتنی پیکسار روایت عشق است. پیرمرد ۷۸ ساله‌ای که همسرش را عاشقانه دوست داشته از وقتی زن فوت کرده تبدیل به آدمی بدعقل شده است. پیرمرد همه عمر در حسرت ماجراجویی بوده و تنها چیزی که آتش حسرتش را خاموش می‌کرده حضور همسرش بوده. حالا زندگی‌اش تهی شده است. تا اینکه یک پسر بچه پیشاهنگ جلوی در خانه‌اش می‌آید و با سماجتش پیرمرد را همراه ماجراجویی‌هایش می‌کند. انیمیشن بخصوص از لحاظ بصری یک اتفاق محسوب می‌شود. با داستانی به غایت احساساتی و برنده دو جایزه اسکار. در فهرست فیلم‌های برتر IMDb رتبه ۱۱۳ را دارد. به اندازه شوخ‌طبعانه است و مخاطبش می‌تواند از سنین مختلف باشد.

۱۵. شرکت هیولاها (Monsters, Inc.)



سال تولید: ۲۰۰۱

کارگردان: پیت داکتر، دیوید سیلورمن

امتیاز متاکریتیک: ۷۸ از ۱۰۰

فروش: ۲۸۹ میلیون و ۹۱۶ هزار و ۲۵۶ دلار

این انیمیشن برنده اسکار مثل همه کارهای اوایل هزاره سوم پیکسار ایده بامزه و جالبی داشت. در شهر هیولاها در صورتی می‌توانند قدرت‌شان را حفظ کنند که بچه‌ها را بترسانند. در حقیقت صدای فریاد بچه‌ها مثل انرژی برایشان عمل می‌کند. از طرف دیگر بچه‌ها برای هیولاها مثل سم می‌مانند. اما دو هیولا پیدا می‌شوند که خیلی استعداد ترساندن ندارند و کم‌کم به این نتیجه می‌رسند که راه‌های دیگری هم باید وجود داشته باشد. ارزش حتی بیشتر از یک‌بار دیده شدن را هم دارد. به جز انیمیشن می‌شود به شکل یک فیلم خوب هم به آن نگاه کرد. هوشمندانه است و اجرای بدیعی هم دارد.

۱۶. آواز (Sing)



سال تولید: ۲۰۱۶

کارگردان: گرت جنینگز، کریستوف لوردلت

امتیاز متاکریتیک: ۵۹ از ۱۰۰

فروش: ۲۷۰ میلیون و ۳۹۵ هزار و ۴۲۵ دلار

از آن انیمیشن‌هایی نیست که بشود به بزرگ‌ترها هم دیدنش را توصیه کرد هر چند لحظات موزیکالش آنقدر خوب و مفرح از آب درآمده که بشود از بعضی سکانس‌هایش لذت ببرند. با این حال انیمیشن «آواز» درنهایت کار متوسطی است. داستان صاحب یک تئاتر که ورشکسته شده اما آنقدر عاشق سالن نمایش‌اش است که می‌خواهد به هر قیمتی شده آن را حفظ کند. درنتیجه یک مسابقه آواز ترتیب می‌دهد و حیوانات گوناگون در این مسابقه شرکت می‌کنند. از آن انیمیشن‌هایی که شعارش این است: اگر کنار هم باشید به موفقیت می‌رسید. سازندگان این انیمیشن بدون اینکه کار خاصی کرده باشند فقط با چاشنی موسیقی و کاراکترهای بامزه توانسته‌اند گلیم‌شان را از آب بیرون بکشند.

۱۷. دانشگاه هیولاها (Monsters University)



سال تولید: ۲۰۱۳

کارگردان: دن اسکاتلون

امتیاز متاکریتیک: ۶۵ از ۱۰۰

فروش: ۲۸۶ میلیون و ۴۹۲ هزار و ۷۶۴ دلار

این قسمت از ماجراهای هیولاها هم به اندازه کافی بامزه است. قصه‌اش هم به قبل از ماجراهای قسمت اول برمی‌گردد. اصطلاحی که به آن prequel می‌گوییم. یعنی فرانشیز قصه را نه در دنباله داستان قسمت قبل که درواقع با قصه‌های پیش از آن روایت می‌کند. انیمیشن نشان می‌دهد که چطور مایک و سالی در روزهای دانشگاه با هم آشنا می‌شوند و چطور رابطه‌شان شکل می‌گیرد. رابطه‌ای که بعدتر در «شرکت هیولاها» شاهدش هستیم. سرگرم‌کننده است اما فقط همین. چیز عمیق‌تری پشت قصه‌اش نیست و شاید به همین دلیل برخی طرفداران «شرکت هیولاها» بیش از حد از آن ناامید شدند.

۱۸. شرک (Shrek)



سال تولید: ۲۰۰۱

کارگردان: اندرو آدامسون، ویکی جنسن

امتیاز متاکریتیک: ۸۴ از ۱۰۰

فروش: ۲۶۷ میلیون و ۶۶۵ هزار و ۱۱ دلار

منتقدان هیجان زده شدند وقتی انیمیشنی دیدند به خوش آب و رنگی کارهای دیزنی اما با قهرمانی زشت. یک گول بی شاخ و دم سبز رنگ. و طننازی و طعنه قصه «شرک» به همه افسانه‌های پریان اشک همه را از خنده درآورد. انیمیشنی که قصه‌اش برخلاف اکثر انیمیشن‌های دیگر جهان کاملاً غیرقابل پیش‌بینی بود و همین هم جذاب‌ترش می‌کرد. خیلی از شوخی‌هایش را اصلاً بزرگ‌ترها متوجه می‌شدند. داستانش را خیلی روان و بدون دست‌انداز روایت می‌کرد و یکی از بهترین شروع‌ها برای یک فرانشیز پرفروش و البته منتقدپسند بود. قسمت اول و دومش واقعا می‌تواند در فهرست بهترین انیمیشن‌های جهان و تاریخ سینما قرار بگیرد.

۱۹. من نفرت‌انگیز ۳ (Despicable Me 3)



سال تولید: ۲۰۱۷

کارگردان: کایل بالدا، پیر کافین

امتیاز متاکریتیک: ۴۹ از ۱۰۰

فروش: ۲۶۴ میلیون و ۶۲۴ هزار و ۳۰۰ دلار

این کارتون به همان مصیبتی دچار شد که «شرک» پیش تر به آن مبتلا شده بود. آنقدر عصاره وجود ایده را چلانند که قسمت سوم از هوش فیلمنامه نویسان و شوخ طبعی شان و حتی ایده های بصری فقط نام گرو و مینیون ها را به دوش می کشید. گرو برادر خبیثش را پیدا می کند. برادری که حس حسادت را در او زنده می کند چون در زندگی موفقیت های زیادی کسب کرده و بسیار هم ثروتمند است. غافل از اینکه این برادر مثلا تبه کار به شدت احمق و بی عرضه است. یک جاهایی بانمک می شود اما در نهایت آخر فیلم دست تان به چیزی بند نیست.

۲۰. شگفت انگیزان (The Incredibles)



سال تولید: ۲۰۰۴

کارگردان: برد بیرد

امتیاز متاکریتیک: ۹۰ از ۱۰۰

فروش: ۲۶۱ میلیون و ۴۴۱ هزار و ۱۱ دلار

برنده دو جایزه اسکار یکی از انیمیشن‌های مبدعانه پیکسار در اوایل هزاره سوم بود. خانواده‌ای که سعی دارند در حومه شهر زندگی آرام و بی سروصدایی داشته باشند و به روی خودشان نیاورند که از قدرت‌های ابرقهرمانی برخوردار هستند. اما برای نجات جهان مجبور می‌شوند دست به کار شوند. پیکسار به روش گرافیک کامپیوتری انیمیشن را ساخته بود و شیوه روایت جذابی هم برایش به کار گرفته بود. در ستایش خانواده و حساسی دلگرم‌کننده. این انیمیشن پرمعنا و زیبا و بامزه است و قطعاً می‌شود نامش را در فهرست بهترین انیمیشن‌های جهان ثبت کرد. کاراکترهایش روح دارند و شوخ‌طبعی شان هم تحسین‌برانگیز است.

۲۱. فیلم لگو (The Lego Movie)



سال تولید: ۲۰۱۴

کارگردان: فیل لورد، کریستوفر میلر

امتیاز متاکریتیک: ۷۸ از ۱۰۰

فروش: ۲۵۷ میلیون و ۷۶۰ هزار و ۶۹۲ دلار

به طرز غریبی اسکار در حق این انیمیشن درخشان بی‌انصافی کرد. انیمیشنی که از لحاظ ساختار مبدعانه و جذاب بود. همه چیز در شهر لگو اتفاق می‌افتد. ساختمان‌ها و آدم‌ها با لگو درست شده‌اند درست مثل اسباب‌بازی‌ها. در شهر لگو یک کارگر ساختمانی معمولی زندگی می‌کند که طی یک اتفاق در برابر نیروی مهاجم خارجی تبدیل به قهرمان لگوها می‌شود. از ابتدا تا انتهایش درست و جذاب پیش می‌رود و خسته‌تان نمی‌کند. استفاده از گرافیک کامپیوتری در این انیمیشن متفاوت از انیمیشن‌های دیگر است. کارگردانان در به روز کردن قصه اسباب‌بازی‌هایی که از خیلی قدیم با آنها سر و کله می‌زدیم کار درجه یکی انجام داده‌اند.

۲۲. من نفرت‌انگیز (Despicable Me)



سال تولید: ۲۰۱۰

کارگردان: پیر کافین، کریس رنات

امتیاز متاکریتیک: ۷۲ از ۱۰۰

فروش: ۲۵۱ میلیون و ۵۱۳ هزار و ۹۸۵ دلار

استیو کارل که خودش بازیگر درجه یکی در فیلم‌های کمدی و کمدی-رمانتیک است در صدایی‌های کاراکتر شریر گرو کار شاهکاری انجام می‌دهد و بخش زیادی از موفقیت این انیمیشن را باید به پای او گذاشت. گروهی تهکار می‌خواهد از سه دختر بچه یتیم برای پیشبرد نقشه‌هایش استفاده کند اما سادگی و شیرینی دختر بچه‌ها روحیه پدانه‌ای در او بیدار می‌کند که سابقه نداشته. این انیمیشن سه بعدی جزو آن کارهایی است که نشان می‌دهد روایت‌های کارتون‌های فقط منحصر به کودکان نیست و حداقل نوجوان‌ها و جوان‌ها هم از مخاطبان هدفش هستند.

۲۳. موانا (Moana)



سال تولید: ۲۰۱۶

کارگردان: ران کلمنتز، جان ماسکر

امتیاز متاکریتیک: ۸۱ از ۱۰۰

فروش: ۲۴۸ میلیون و ۷۵۷ هزار و ۴۸ دلار

نامزد اسکار بهترین انیمیشن و بهترین ترانه داستانش در یک شهر باستانی می‌گذرد. یک نفرین وحشتناک به جزیره قهرمان ما موانا رسیده است. موانا به صدای اقیانوس پاسخ می‌دهد و به دریا می‌زند تا بتواند اوضاع را درست کند. انیمیشن «موانا» خیلی از عناصر ماجراجویانه انیمیشن‌های قدیمی‌تر دیزنی را دارد با این حال از فضای به روزتری نسبت به آنها برخوردار است. این فضای به روزتر در حالی که قصه در دوران باستان می‌گذرد در روایت و شخصیت‌پردازی خودش را نشان می‌دهد. قهرمان زن قصه ما باهوش و کاریزماتیک و فعال است و با همه آن شاهزاده خانم‌هایی که تا به حال می‌شناختیم‌شان فرق می‌کند.

۲۴. داستان اسباب‌بازی ۲ (Toy Story 2)



سال تولید: ۱۹۹۹

کارگردان: جان لسه‌تر، اش برانن

امتیاز متاکریتیک: ۸۸ از ۱۰۰

فروش: ۲۴۵ میلیون و ۸۵۲ هزار و ۱۷۹ دلار

«داستان اسباب‌بازی» یکی از مهم‌ترین میراث‌هایی است که جان لسه‌تر از خودش در کمپانی پیکسار به جا گذاشته است. در این قسمت باز و وودی دیگر با هم رفیق شده‌اند. یک مجموعه‌دار عروسک وودی را می‌دزدد و باز و بقیه رفقا هم قسم می‌شوند که نجاتش دهند منتها وودی متوجه کارهای غیراخلاقی در موزه شده است. انیمیشن نامزد اسکار شد ولی نتوانست آن را به دست بیاورد. یک جایی بین خلاقیت قسمت اول و داستان کامل قسمت سوم معلق مانده است.

۲۵. ماشین‌ها (Cars)



سال تولید: ۲۰۰۶

کارگردان: جان لسهتر، جو رنفت

امتیاز متاکریتیک: ۷۳ از ۱۰۰

فروش: ۲۴۴ میلیون و ۸۲ هزار و ۹۸۲ دلار